

**استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶
موجودیها**

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

فهرست مندرجات

شماره بند	
۱	• هدف
۲	• دامنه کاربرد
۳	• تعاریف
۴-۷	- موجودیها
۸-۳۸	• اندازه گیری موجودیها
۱۱-۲۶	- بهای تمام شده موجودیها
۱۲	- مخارج خرید
۱۳-۱۹	- مخارج تبدیل
۲۰-۲۳	- سایر مخارج
۲۴	- بهای تمام شده تولیدات کشاورزی برداشت شده از داراییهای زیستی
۲۵-۲۶	- تکنیکهای محاسبه بهای تمام شده
۲۷-۳۲	- روشهای محاسبه بهای تمام شده
۳۳-۳۷	- خالص ارزش فروش
۳۸	- توزیع کالا بدون مطالبه بها یا مطالبه بهای ناچیز
۳۹-۴۱	• شناخت موجودیها به عنوان هزینه
۴۲-۴۳	• افشا
۴۴	• تاریخ اجرا

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶ موجودیها

هدف

۱. هدف این استاندارد تشریح نحوه حسابداری موجودیها است. مهمترین موضوع در حسابداری موجودیها، شناسایی بهای تمام شده به عنوان دارایی و انتقال آن به دوره‌های آتی جهت تطابق با رویدادهای مربوط است. این استاندارد رهنمودهایی جهت تعیین بهای تمام شده و شناخت بعدی به عنوان هزینه، از جمله هرگونه کاهش ارزش و روشهای تعیین بهای تمام شده موجودیها ارائه می‌کند.

دامنه کاربرد

۲. این استاندارد، نحوه ارزشیابی و انعکاس موجودیها در صورتهای مالی را تشریح می‌کند و موارد زیر را دربر نمی‌گیرد:

الف. کار در جریان پیشرفت پیمانهای بلندمدت؛

ب. ابزارهای مالی؛

پ. موجودی محصولات جنگلی و معدنی؛ و

ت. تولیدات کشاورزی در زمان برداشت و داراییهای زیستی غیرمولد مربوط به فعالیت کشاورزی.

تعاریف

۳. اصطلاحات ذیل در این استاندارد با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

- موجودیها: به داراییهایی اطلاق می‌شود که:
 - الف. در فعالیت واحد گزارشگر مصرف می‌شود؛
 - ب. به منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات، خریداری شده و نگهداری می‌شود؛
 - پ. به منظور ساخت محصول یا ارائه خدمات در فرایند تولید قرار دارد؛ یا
 - ت. برای فروش در روال عادی عملیات واحد گزارشگر نگهداری می‌شود.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

- خالص ارزش فروش: عبارت است از بهای فروش پس از کسر:
 - الف. مخارج برآوردی تکمیل؛ و
 - ب. مخارج برآوردی بازاریابی، فروش و توزیع.
- بهای جایگزینی: عبارت است از مخارجی که باید برای خرید یا ساخت یک قلم موجودی کاملاً مشابه تحمل شود.

موجودیها

۴. موجودیها شامل کالای خریداری شده و نگهداری شده جهت فروش مجدد، کالای ساخته شده، کار در جریان ساخت، و مواد و ملزومات آماده برای مصرف در تولید است. همچنین موجودیها شامل کالای خریداری شده یا تولید شده جهت توزیع به سایر بخشها و واحدها، بدون مطالبه بها یا مطالبه بهای ناچیز می باشد. برای مثال کتابهای آموزشی که توسط بخشی از دولت جهت فروش به مدارس منتشر می شود. در بسیاری از واحدهای بخش عمومی، موجودیها به جای آنکه جهت فروش یا تولید نگهداری شوند، جهت ارائه خدمات نگهداری می شوند.
۵. موجودیها در بخش عمومی عمدتاً شامل موارد زیر است:
 - الف. مهمات؛
 - ب. ذخایر کالاهای مصرفی؛
 - پ. لوازم و قطعات یدکی؛
 - ت. ذخایر استراتژیک (برای مثال ذخایر انرژی)؛
 - ث. موجودی ملزومات پستی (مانند تمبر)؛
 - ج. کار در جریان ساخت مانند بسته های آموزشی؛ و
 - چ. املاک نگهداری شده برای فروش.
۶. از آنجا که دولت امتیاز انتشار داراییهایی نظیر اسناد رسمی دولتی را در اختیار دارد، این اقلام طبق این استاندارد جزء موجودیها منظور می شوند. این اقلام به ارزش اسمی گزارش نمی گردند بلکه به بهای تمام شده اندازه گیری می شوند.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

۷. در مواردی که دولت ذخایر استراتژیک مختلف (از قبیل ذخایر نفت) را برای استفاده اضطراری یا دیگر وضعیتها (برای مثال بلاهای طبیعی) نگهداری می‌کند، طبق این استاندارد به عنوان موجودی شناسایی می‌شوند.

اندازه‌گیری موجودیها

۸. موجودیها به جز موارد مندرج در بندهای ۹ و ۱۰ باید بر مبنای اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش تک‌تک یا گروههای اقلام مشابه، اندازه‌گیری شود.

۹. موجودیهای تحصیل شده از طریق عملیات غیرمبادله‌ای، به ارزش منصفانه در تاریخ تحصیل اندازه‌گیری می‌شوند.

۱۰. موجودیهای نگهداری شده جهت مقاصد زیر باید بر مبنای اقل بهای تمام شده و ارزش جایگزینی اندازه‌گیری شوند:

الف. توزیع بدون مطالبه بها یا مطالبه به بهای ناچیز؛ یا

ب. مصرف در فرایند تولید کالا جهت توزیع بدون مطالبه بها یا مطالبه به بهای ناچیز.

بهای تمام شده موجودیها

۱۱. بهای تمام شده موجودیها باید در برگیرنده مخارج خرید، مخارج تبدیل و سایر مخارج باشد که واحد گزارشگر در جریان فعالیت معمول خود، برای رساندن کالا یا خدمات به مکان و شرایط فعلی آن متحمل شده است.

مخارج خرید

۱۲. مخارج خرید شامل بهای خرید و هرگونه مخارج دیگری از قبیل حقوق و عوارض گمرکی، هزینه حمل و مالیاتهای غیر قابل برگشت است که مستقیماً به خرید مربوط می‌گردد. تخفیفات تجاری از بهای خرید کسر می‌شود.

مخارج تبدیل

۱۳. مخارج تبدیل شامل مخارجی است که مستقیماً به اقلام تولید شده مربوط می‌گردد (مانند کار مستقیم). مخارج تبدیل همچنین شامل سربار تولید (اعم از ثابت و متغیر) است که برای تبدیل مواد اولیه به محصول یا ارائه خدمات واقع می‌شود.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

۱۴. سربار تولید اعم از ثابت و متغیر با روشی سیستماتیک به محصولات تخصیص می‌یابد. سربار ثابت تولید، آن بخش از مخارج غیرمستقیم تولید است که در دامنه معینی از حجم تولید نسبتاً ثابت می‌ماند، مانند استهلاک و مخارج نگهداری ساختمان و تجهیزات کارخانه و مخارج مدیریت کارخانه. سربار متغیر تولید آن بخش از مخارج غیرمستقیم تولید است که متناسب با تغییر حجم تولید تغییر می‌یابد، مانند مواد و دستمزد غیرمستقیم.

۱۵. سربار ثابت تولید بر مبنای ظرفیت معمول فعالیت واحد گزارشگر تخصیص می‌یابد. ظرفیت معمول بیانگر متوسط محصولی است که انتظار می‌رود در شرایط عادی (با در نظر گرفتن توقفات تولید ناشی از تعمیرات و نگهداری برنامه‌ریزی شده) طی چند دوره یا فصل، تولید شود. برای تخصیص هزینه‌های سربار ثابت تولید می‌توان از سطح واقعی تولید استفاده کرد به شرط آنکه سطح مزبور تقریباً نزدیک به سطح معمول فعالیت باشد. باید توجه داشت عامل تعیین‌کننده در تخصیص سربار ثابت تولید بر مبنای سطح معمول فعالیت، این است که مخارج مربوط به ظرفیت بلااستفاده باید به حساب هزینه دوره منظور شود.

۱۶. جهت تعیین سطح معمول فعالیت واحد گزارشگر عوامل زیر را باید در نظر داشت:

الف. میزان تولید مورد نظر طراحان دستگاههای تولیدی و مدیریت واحد گزارشگر، تحت شرایط کار حاکم در طول سال (مثلاً یک نوبت کاری یا دونوبت کاری)؛

ب. بودجه سطح فعالیت سال تحت بررسی و سال بعد از آن؛ و

ج. سطحی از تولید که واحد گزارشگر در سال تحت بررسی و نیز در سالهای گذشته عملاً به آن دست یافته است.

اگر چه تغییرات موقت در سطح فعالیت را می‌توان نادیده گرفت، با این حال تغییرات مداوم باید به تجدید نظر در آنچه قبلاً معمول شناخته شده منجر شود.

۱۷. در فرایند تولید ممکن است همزمان بیش از یک محصول تولید شود. برای مثال، این وضعیت زمانی مصداق دارد که محصولات مشترک یا یک محصول اصلی همراه با

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

یک محصول فرعی تولید می‌شود. در مواردی که مخارج تبدیل هر محصول جداگانه قابل تشخیص نباشد، این مخارج بر مبنای منطقی و یکنواخت به محصولات تخصیص می‌یابد. برای مثال، ممکن است از ارزش نسبی فروش هر محصول در مرحله‌ای از فرایند تولید که محصولات به طور جداگانه قابل تشخیص باشد و یا در زمان تکمیل تولید، به عنوان مبنای تخصیص استفاده شود. در اغلب موارد، محصولات فرعی ماهیتاً کم اهمیت است، از این رو این محصولات به خالص ارزش فروش اندازه‌گیری و مبلغ حاصل شده از بهای تمام شده محصول اصلی کسر می‌شود. در نتیجه مبلغ دفتری محصول اصلی با بهای تمام شده آن، تفاوت با اهمیتی ندارد.

۱۸. روشهای هزینه‌یابی معمولاً چنان طراحی می‌گردد تا اطمینان حاصل شود کلیه مخارج مربوط به مواد مستقیم، کار مستقیم و سایر مخارج مستقیم به نحوی مناسب، مشخص و بر مبنای منطقی و یکنواخت به حساب گرفته شود. تخصیص مخارج سربار، معمولاً مستلزم اعمال قضاوت‌های شخصی در انتخاب یک قاعده مناسب است.

۱۹. در تخصیص مخارج دواير خدماتی مرکزی، مبنای تخصیص معمولاً میزان خدماتی است که در رابطه با عملیات مختلف ارائه می‌شود. برای مثال، دایره حسابداری معمولاً در خدمت عملیات زیر است:

الف. تولید (از طریق پرداخت حقوق و دستمزد مستقیم و غیرمستقیم تولیدی، کنترل خرید و تهیه صورتهای مالی ادواری برای واحدهای تولیدی)؛

ب. بازاریابی و توزیع (از طریق تجزیه و تحلیل فروش و کنترل دفتر یا کارتهای معین فروش)؛ و

پ. مدیریت عمومی (از طریق تهیه گزارشهای داخلی خاص مدیریت، صورتهای مالی و بودجه‌های سالانه، کنترل منابع نقدی و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاریها).

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

از کل مخارج دایره حسابداری، تنها آن بخش باید در محاسبه مخارج تبدیل منظور شود که بتوان آن را به گونه‌ای منطقی به عملیات تولید تخصیص داد.

سایر مخارج

۲۰. سایر مخارج تنها تا میزانی که برای رساندن موجودیها به مکان و شرایط فعلی آن مربوط است به عنوان بخشی از بهای تمام شده موجودیها منظور می شود.

۲۱. موارد مندرج در زیر، نمونه‌هایی از مخارجی است که در بهای تمام شده موجودیها منظور نمی شود و در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی می گردد:

الف. ضایعات غیرعادی مواد، دستمزد و سایر مخارج تولید (ضایعات قابل کنترل)؛

ب. مخارج انبارداری باستانی مخارجی که در فرایند تولید برای انبارداری محصولاتی که نیاز به پردازش بیشتر دارند، انجام می شود؛

پ. سربار اداری که در رساندن موجودیها به مکان و شرایط فعلی نقشی ندارد؛ و

ت. مخارج فروش.

۲۲. مخارج مدیریت عمومی، برخلاف مدیریت عملیاتی، مستقیماً به تولید جاری مربوط نمی شود و لذا نباید در مخارج تبدیل (و در نتیجه، در بهای تمام شده موجودیها) منظور گردد. در مورد واحدهای گزارشگر کوچک تر که مدیریت معمولاً در اداره روزانه هر یک از عملیات مختلف نقش دارد، ممکن است در تفکیک مخارج سربار مدیریت عمومی، مسائل خاصی در عمل بروز کند. در چنین واحدهایی، مخارج مدیریت را می توان با استفاده از مبانی مناسب، به گونه‌ای منصفانه به عملیات تولید، بازاریابی، فروش و اداری تخصیص داد.

۲۳. در شرایطی خاص، مخارج تأمین مالی را می توان در بهای تمام شده موجودیها منظور کرد. این شرایط در استاندارد حسابداری مخارج تأمین مالی مشخص شده است.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

بهای تمام شده تولیدات کشاورزی برداشت شده از داراییهای زیستی

۲۴. طبق استاندارد حسابداری فعالیتهای کشاورزی، تولیداتی که توسط واحد گزارشگر از داراییهای زیستی برداشت می‌شود، در شناخت اولیه به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج برآوردی فروش در زمان برداشت اندازه‌گیری می‌شود. برای بکارگیری این استاندارد، این مبلغ، بهای تمام شده موجودی در آن تاریخ است.

تکنیکهای محاسبه بهای تمام شده

۲۵. تکنیکهایی مانند روش هزینه‌یابی استاندارد یا روش خرده‌فروشی برای محاسبه بهای تمام شده موجودیها، هنگامی می‌تواند به خاطر سهولت کار مورد استفاده قرار گیرد که نتایج حاصل همواره نزدیکترین تقریب ممکن را برای بهای تمام شده فراهم می‌آورد. هزینه‌های استاندارد، سطوح عادی مواد، ملزومات، ساعات کار، کارایی و ظرفیت را مد نظر قرار می‌دهد. مبالغ حاصل از این روش باید مکرراً بررسی و در صورت لزوم با توجه به شرایط جدید، مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۲۶. موجودیها ممکن است از طریق معاملات غیرمبادله‌ای تحصیل شود. برای مثال ممکن است در زمان وقوع بلایای طبیعی، یک سازمان بین‌المللی مقداری ملزومات پزشکی را در اختیار یک بیمارستان دولتی قرار دهد. در چنین شرایطی بهای تمام شده موجودیها برابر با ارزش منصفانه در تاریخ تحصیل است.

روشهای محاسبه بهای تمام شده

۲۷. بهای تمام شده موجودیهایی که معمولاً قابل داد و ستد نیستند و کالاها و خدماتی که برای یک پروژه خاص تولید و تفکیک شده‌اند، باید به روش شناسایی ویژه محاسبه شود.

۲۸. شناسایی ویژه، روشی است که در آن مخارج مختص هر یک از اقلام موجودی به آن قلم اختصاص می‌یابد. این روش برای اقلامی مناسب است که صرف نظر از خرید یا تولید، برای پروژه‌های خاصی در نظر گرفته شده‌اند. اما کاربرد این روش در مواردی که تعداد

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

زیادی از اقلام موجودی غیرقابل تفکیک وجود دارد، مناسب نیست. در این موارد جهت محاسبه بهای تمام شده می‌توان از روشهای دیگری استفاده کرد.

۲۹. در بکارگیری الزامات بند ۳۰، واحد گزارشگر باید از روشی یکسان برای محاسبه بهای تمام شده تمام موجودیها با ماهیت و کاربرد مشابه استفاده کند. برای موجودیهایی با ماهیت و کاربرد متفاوت (برای مثال استفاده از کالاهای مشخص در قسمتهای متفاوت یک واحد گزارشگر) می‌توان از روشهای متفاوت محاسبه بهای تمام شده استفاده نمود.

۳۰. بهای تمام شده موجودیها به جز موارد مندرج در بند ۲۷، باید به روش اولین صادره از اولین وارده و یا میانگین موزون محاسبه شود. واحد گزارشگر باید از روشی یکسان برای محاسبه بهای تمام شده برای تمام موجودیهای با ماهیت و کاربرد مشابه استفاده کند. برای موجودیهایی با ماهیت و کاربرد متفاوت می‌توان از روشهای محاسبه متفاوت استفاده نمود.

۳۱. ممکن است موجودیهای مورد استفاده در یک قسمت دارای کاربرد متفاوتی در قسمتهای دیگر همان واحد گزارشگر باشند. با این وجود مناطق جغرافیایی متفاوت به خودی خود دلیلی جهت کاربرد روشهای متفاوت برای محاسبه بهای تمام شده نیست.

۳۲. در روش اولین صادره از اولین وارده فرض می‌شود خریدهایی که در ابتدا صورت می‌گیرد در ابتدا نیز فروخته یا مصرف می‌شود و اقلام باقیمانده در پایان دوره بیانگر آخرین خریدها یا آخرین تولیدات است. در روش میانگین موزون، بهای تمام شده هر قلم از طریق تقسیم مجموع بهای تمام شده اقلام مشابه در ابتدای دوره و بهای تمام شده اقلام مشابه خریداری یا تولید شده طی دوره بر مقدار واحدهای آن تعیین می‌شود. با توجه به شرایط واحد گزارشگر، می‌توان از سیستم دائمی یا ادواری نگهداری موجودی برای میانگین موزون استفاده کرد.

خالص ارزش فروش

۳۳. ممکن است بهای تمام شده موجودیهایی که دچار آسیب‌دیدگی یا فرسودگی جزئی یا کلی، یا کاهش قیمت فروش شده است، قابل بازیافت نباشد. همچنین در مواردی که مخارج برآوردی تکمیل یا مخارج برآوردی فروش، معاوضه یا توزیع افزایش می‌یابد،

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

ممکن است بهای تمام شده، قابل بازیافت نباشد. کاهش ارزش موجودیها به خالص ارزش فروش مبتنی بر این دیدگاه است که داراییها نباید به مبلغی بیشتر از خدمات بالقوه و منافع اقتصادی مورد انتظار حاصل از فروش، معاوضه، توزیع یا استفاده آنها، در صورتهای مالی منعکس شود.

۳۴. مقایسه بهای تمام شده و خالص ارزش فروش معمولاً باید به طور جداگانه در مورد هر یک از اقلام موجودی انجام شود. اما در برخی موارد باید گروههای کالا و یا کالاهای مشابه را جمعاً در نظر گرفت. برای مثال، اقلامی از موجودی که اهداف یا کاربرد مشابه داشته باشد و نتوان آن را عملاً جدا از سایر اقلام خط تولید ارزیابی کرد، نمونه‌ای از اقلامی است که به طور گروهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ارزیابی گروهی مبتنی بر طبقه‌بندی موجودیها مثلاً موجودیهای کالای ساخته شده یا کل موجودیهای یک عملیات یا قسمت جغرافیایی خاص، مناسب نخواهد بود.

۳۵. هدف از نگهداری موجودیها باید در برآورد خالص ارزش فروش در نظر گرفته شود. برای مثال، خالص ارزش فروش موجودیهای نگهداری شده برای قراردادهای فروش یا خدمات برمبنای قیمت قرارداد تعیین می‌شود. اگر میزان موجودی واحد گزارشگر بیشتر از موجودی مورد نیاز برای اجرای قراردادهای فروش باشد، مازاد موجودیها برمبنای قیمتهای عمومی فروش ارزیابی می‌شوند.

۳۶. در مواردی که خالص ارزش فروش موجودی موادی که برای تولید نگهداری شده‌اند کمتر از بهای تمام شده باشد، به شرطی که کالاهایی که از مواد مزبور ساخته می‌شود، انتظار رود با سود به فروش برسد یا معاوضه و توزیع شود، مبلغ دفتری مواد کاهش نمی‌یابد. اما در صورتی که کاهش در قیمت مواد اولیه بیانگر آن باشد که بهای تمام شده کالایی که از آن مواد ساخته می‌شود، بیش از خالص ارزش فروش است، مبلغ دفتری مواد باید کاهش داده شود. در این موارد، بهای جایگزینی مواد اولیه می‌تواند تقریبی قابل قبول از خالص ارزش فروش تلقی شود.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

۳۷. در هر دوره، خالص ارزش فروش مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گیرد. هرگاه شرایطی که قبلاً منجر به انعکاس ارزش موجودیها به مبلغی کمتر از بهای تمام شده گردیده است، دیگر برقرار نباشد، یا در صورت وجود مستندات مبنی بر افزایش خالص ارزش فروش به دلیل تغییر در شرایط اقتصادی، ارزش موجودی انتقالی از دوره قبل باید تا مبلغ خالص ارزش فروش جدید (حداکثر تا حد میزان کاهش قبلی) افزایش داده شود. این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که بهای تمام شده یک قلم موجودی که به علت کاهش قیمت فروش به خالص ارزش دفتری کاهش داده شده است، همچنان در دوره‌های بعد موجود است و قیمت فروش آن افزایش یافته است.

توزیع کالا بدون مطالبه بها یا مطالبه بهای ناچیز

۳۸. ممکن است واحد گزارشگر موجودیهایی را نگهداری کند که خدمات بالقوه و منافع اقتصادی آتی آن مستقیماً به توانایی ایجاد خالص جریانهای ورودی نقد مرتبط نباشد. این نوع از موجودیها در مواردی مصداق دارد که واحد گزارشگر کالاهایی را بدون مطالبه بها یا مطالبه بهای ناچیز توزیع می‌کند. در این موارد، منافع اقتصادی آتی یا توان بالقوه خدمت‌رسانی موجودیها از نظر اهداف گزارشگری مالی به مبلغی منعکس می‌شود که واحد گزارشگر باید برای تحصیل منافع اقتصادی یا توان بالقوه خدمت‌رسانی مزبور بپردازد. در صورتی که منافع اقتصادی آتی یا خدمات بالقوه را نتوان از طریق بازار اندازه‌گیری کرد، برآورد بهای جایگزینی ضروری است. اگر هدف از نگهداری موجودیها تغییر کند، طبق بند ۸ اندازه‌گیری می‌شوند.

شناخت موجودیها به عنوان هزینه

۳۹. مبلغ دفتری موجودیهای فروخته، معاوضه یا توزیع شده باید در دوره‌ای که درآمد مربوط شناسایی می‌گردد، به عنوان هزینه شناسایی شود. اگر درآمدی وجود نداشته باشد، هزینه هنگام توزیع کالا یا ارائه خدمات شناسایی می‌شود. مبلغ کاهش ارزش موجودیها ناشی از اعمال قاعده "اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش" و کلیه زیانهای مرتبط با موجودیها را باید در دوره کاهش ارزش یا

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

وقوع زیانهای مربوط به عنوان هزینه شناسایی کرد. در مورد موجودیهایی که در دوره قبل به مبلغی کمتر از بهای تمام شده ارزیابی شده است و در دوره جاری به دلیل افزایش در خالص ارزش فروش، به مبلغ بیشتری ارزیابی می گردد، هرگونه افزایشی از این بابت در دوره جاری باید به عنوان درآمد یا کاهش هزینه دوره جاری (حداکثر تا حد جبران کاهش قبلی) شناسایی شود.

۴۰. واحد گزارشگر ارائه کننده خدمات هنگامی موجودیها را به عنوان هزینه شناسایی می کند که خدمات، ارائه یا صورتحساب صادر شده باشد.

۴۱. برخی موجودیها ممکن است به سایر حسابهای دارایی تخصیص یابد. برای مثال می توان از موجودیهای بکار رفته در ساخت دارایی ثابت مشهود توسط واحد گزارشگر نام برد. موجودیهایی که به سایر حسابهای دارایی تخصیص می یابد، طی عمر مفید دارایی مربوط به عنوان هزینه شناسایی می شود.

افشا

۴۲. موارد زیر باید در صورتهای مالی افشا شود:

الف. رویه های حسابداری مربوط به اندازه گیری موجودیها، شامل روش تعیین بهای تمام شده؛

ب. مبلغ دفتری کل موجودیها و مبلغ دفتری هر یک از طبقات عمده موجودیها؛

پ. مبلغ دفتری موجودیهایی که به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش اندازه گیری شده است؛

ت. مبلغ موجودیهایی که طی دوره به عنوان هزینه شناسایی شده اند؛

ث. مبلغ هزینه کاهش ارزش موجودیها طی دوره ناشی از اعمال الزامات بند ۳۹؛

ج. مبلغ بازیافت هزینه کاهش ارزش طی دوره در صورت تغییرات در وضعیت مالی دوره ناشی از اعمال الزامات بند ۳۹؛

چ. شرایط یا رویدادهایی که منجر به بازیافت کاهش ارزش موجودیها طبق الزامات بند ۳۹ شده اند؛ و

ح. مبلغ دفتری موجودیهایی که در وثیقه بدهیهای واحد گزارشگر است.

استاندارد حسابداری بخش عمومی شماره ۶

موجودیها

۴۳. ارائه مبالغ مربوط به طبقات مختلف موجودیها و میزان تغییرات آن از یک دوره به دوره دیگر، اطلاعات مفیدی در اختیار استفاده کنندگان صورتهای مالی قرار می دهد. طبقات معمول موجودیها شامل کالای خریداری شده برای فروش یا توزیع، ملزومات تولیدی، مواد اولیه، کالای در جریان ساخت و کالای ساخته شده است.

تاریخ اجرا

۴۴. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱/۱/۱۳۹۴ و بعد از آن شروع می شود، لازم الاجراست.